

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

ملاحظه فرمودید تفسیری که مرحوم نائینی برای عبارت شیخ در این بحث ذکر کردند تمام نیست و ما نمی‌توانیم از عبارات شیخ (قدس سره) فرقی را به عنوان اینکه زمان قید برای حکم باشد یا زمان قید برای متعلق باشد استفاده کنیم.

مؤیدی بر رد برداشت مرحوم نائینی از کلام مرحوم شیخ

مؤید این مطلب اختلافی است که بین مشهور و شیخ (در بحث واجب معلق) وجود دارد. در بحث رجوع قیود به هیئت مشهور می‌گویند در یک کلام قید به خود هیئت برمی‌گردد. ولی مرحوم شیخ با مشهور مخالفت می‌کند و می‌فرماید قیودی که به حسب ظاهر در کلام متکلم هستند و قید برای هیئت قرار می‌گیرد در واقع قید برای ماده (متعلق) است.

چطور می‌شود که با وجود آن مبنایی که مرحوم شیخ در مقابل مشهور دارد می‌فرماید که این قید وجوب نیست و قید برای ماده است که مراد از ماده همان متعلق است در اینجا ایشان بفرمایند زمان گاهی اوقات قید است برای خود حکم من حیث إنه حکم. اگر مرحوم شیخ فرمود تمام قیودی که به حسب ظاهر قید برای هیئت‌اند واقعاً به ماده برمی‌گردد، این مطلب اختصاص به قید زمانی و غیر زمانی ندارد. نکته دوم اینکه اصلاً از مجموع عبارات شیخ تفصیل بین حکم و متعلق استفاده نمی‌شود.

آیا مرحوم شیخ بین عام مجموعی و استغراقی فرق قائل شده؟!

بعد از اینکه گفتیم برداشت مرحوم نائینی از کلام مرحوم شیخ صحیح نیست باید بگوییم آیا ما می‌توانیم به مرحوم شیخ نسبت بدهیم که ایشان بین عام مجموعی و عام استغراقی فرق قائل شده. مرحوم شیخ هم در رسائل و هم در مکاسب تصریح نکرده به اینکه زمان گاهی به نحو عام مجموعی است و گاهی به نحو عام استغراقی بلکه اینجا هم بحث نظیر همان بحثی است که در استصحاب زمان مطرح شده است.

شیخ می‌فرماید زمان گاهی ظرف است و گاهی قید است، اگر زمان ظرف بود مثلاً اگر مولا گفت اکرم العلماء فی کل یوم و این فی کل یوم را گفتیم ظرف (زمان دخالتی در موضوع ندارد و موضوع متعدد نمی‌کند) است بعد مولا زید عالم را در روز شنبه خارج کرد. می‌گوئیم اکرم العلماء یک حکم واحد مستمر است که به وسیله‌ی خاص استمرارش قطع شد در نتیجه بعد از زمان خاص دلیلی برایش نداریم. اما اگر گفتیم فی کل یوم قید (هر زمانی یک حکم مستقل دارد) است، در نتیجه برای بعد از زمان شنبه می‌توانیم تمسک به عام کنیم.

شیخ اصلاً نیامده بین عام مجموعی و عام استغراقی فرق بگذارد بلکه تنها چیزی که در کلام ایشان ذکر شده همان قرار دادن زمان به صورت ظرف یا قید برای حکم و متعلق است. با مبنایی که ذکر کردیم (قیود راجعه به هیئت در واقع به ماده و متعلق باز می گردد) اصلاً دیگر تمام قیود، قید متعلق است. این قید (زمان) که برای متعلق شد یا ظرف است که بود و نبودش یکی است چون ظرف برای این وجوب و متعلقش است پس نسبت به زمان بعد الخاص انقطاع پیدا کرده و غیر از استصحاب حکم خاص راهی نداریم. اما اگر قید شد نسبت به زمان بعد از خاص دلالت، بیان و ظهور دارد لذا بعد از زمان خاص ما به همین عموم اکرم العلماء تمسک کنیم.

در هر دو صورت (ظرفیت و قیدیت) شیخ می فرماید بود و نبود عام لغوی شما را فریب ندهد یعنی کلمه‌ی کل یوم باشد یا نباشد، در هر دو صورت فرقی نمی کند آنچه که هست این است که این زمان آیا به حسب الواقع متعلق را منحل به متعلقات متعدد می کند یا خیر؟ اگر ظرف باشد منحل نمی کند و اگر قید باشد منحل می کند.

نظایر این مطلب را در مبانی شیخ داریم مثلاً در بحث استصحاب زمان و زمانی بین اینکه زمان در یک کلام ظرف قرار بگیرد و یا زمان قید قرار بگیرد فرق می گذارد.

علت برداشت مرحوم نائینی از کلام مرحوم شیخ

سرّ اینکه مرحوم نائینی مجبور شده عبارت شیخ را بر خلاف ظاهرش توجیه کند قاعده مُسَلَّمی که در بین آقایان وجود دارد. اصولی ها در باب عام می گویند در غیر مورد خاص ما به عام تمسک می کنیم، فرقی نمی کند این عام مجموعی باشد یا عام استغراقی باشد. لذا مرحوم نائینی می گوید باید عبارت مرحوم شیخ که می گوید بعد از زمان خاص ما در عام مجموعی نمی توانیم به عام مجموعی تمسک کنیم را به نحوی توجیه کنیم که ربطی به عام مجموعی هم نداشته باشد.

ثمره قید بودن یا ظرف بودن زمان

ثمره یا نتیجه اینکه زمان ظرف یا قید باشد این است که إذا قلنا بأن الزمان ظرف لا يتولد منه العموم، اصلاً عموم اینجا نداریم ولو بگوید اکرم العلماء فی کل یوم و اگر فرض کردیم فی کل یوم ظرف است بود و نبودش یکی است در نتیجه مرحوم شیخ در اینجایی که می گوید زمان ظرف است و ما نمی توانیم به عام تمسک کنیم، چون اینجا غیر از عموم افرادی چیزی به نام عموم ازمانی نداریم. اما اگر زمان قید شد عموم ازمانی داریم.

باز به تعبیر دیگر این فرمایشی که مرحوم محقق ثانی فرمود «أنّ العموم في أفراد العقود يستتبع عموم الأزمنة» شیخ یک حاشیه به آن می زند و می گوید این يستتبع در جایی است که زمان قید باشد اما در جایی که زمان عنوان ظرفیت دارد اینجا مستتبع نخواهد بود.

ما می خواستیم امروز فرمایش آقای خوئی را در اشکال به استادشان مرحوم نائینی بخوانیم که نشد، ان شاء الله این را فردا پیش مطالعه کنید.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين